

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
نیو یارک، ششم جون 2010

اوج ددمنشی رژیم "نازی – کربلائی" ایران

و انتقام افغان

"آش مردا دیر پخته میشه"

رژیم آدمکش و ضد بشری نازی، که در سال 1933 در دوره موسوم به "جمهوریت ویمار" (1) المان، زمام قدرت را بدست گرفت و المان و جهان را بخاک یکسان ساخت، بالاترین نمونه "سعییت" و "وحشت" به شمار میرود، که وحشتها و سفاکیتهاى گذشته بالتمام در برابرش رنگ میبازند. این بنده در مورد جنگ عمومی دوم و رژیم ضد بشری نازی بسیار خوانده و از کارنامه شوم ایشان باندازه معتنا به آگاهی حاصل کرده است. از نظر من رژیم نازی را باید نمونه شمرده؛ نمونه در تمام کارهای "ضد انسانی" و کارهایی که عالم انسان باید از آن عار داشته باشد. تا همین دم هم به همین نظر بودم، مگر دیدن ویدئویی از کارروائی رژیم بدبخت، خون آشام و ضد کرامت انسانی ایران – که من آنرا ازین به بعد، رژیم "نازی – کربلائی"، مینامم – نظرم را بکلی دگرگون و منقلب ساخت. پورتال بی همال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" که علم "افشاء گری" جنایتکاران را بر بام سماوات کوفته است، در صفحه دیروز، 5 جون 2010، خود لنک آتی را در معرض دیدن و شنیدن. مراجعان خود قرار داد:

http://www.youtube.com/watch?v=IRNRfuI9XJU&feature=player_embedded

این لنک را خود باز کرده و بگوش هوش و چشم سر و بدقتی هرچه تمام تر، بنگرید و بشنوید!!!
خدایا چرا از عین "ملت" و عین "کشور"، دو نوع انسان کاملاً متضاد میرویند؟؟؟ در یکطرف گلی خوشبوی و معنبر و در طرف مقابل شترخار و خار مگیلان. در یکطرف انسانی مبارز و حقجو، و در جانب دیگر آدمی سرکوبگر و حق کش. در یکطرف کسی که برای تمام ابنای بشر عدالت و خودارادیت میخواهد و در طرف مقابل کسی، که تخم انسانیت را در نطفه محو و نابود میسازد.

این لنک "افشاء گری و رسوا کننده" را همکاران مبارز و دلسوز ایرانی ما در دسترس پورتال گذاشتند و اداره پورتال هم آنرا با تبصره ای "نوازشگر – کوبنده" در دسترس خوانندگان قرار داد. "تبصره پورتال" را هم "نوازشگر" خواندم و هم "کوبنده"؛ بلی برادر گل من:

این تبصره در حالی که دوستان مبارز ایرانی ما را مورد تمجید و تحسین قرار میدهد، ضربات کوبنده ای را نثار رژیم میزند، که از عرصه سی سال. تخت، یک ملت را در بند کشیده و همسایگان را مورد تاخت و تاز بی امان قرار میدهد.

این رژیم را پورتال، « رژیم ولایت "جهل و جنایت" » خوانده است و حقا که چنین هم هست. من اما قدمی فراتر رفته و لقب « رژیم "نازی – کربلائی" » را نثارش میکنم، چون:

این رژیم در "درنده خوئی"، حقا که سیال و هنباز و برادر سکه "رژیم نازی" میباشد و چه بسا که "رژیم آخوندی" از بعض جهات سر رژیم هیتلری را هم خاریده است!!!!

اما چرا رژیم "نازی - کربلایی"؟؟؟

- قسمی که گفتم، "نازی" بخاطری که کارنامه این رژیم در حد "رژیم نازی"، مفلوک است و بلکه بالاتر از آن!!!!
- "کربلایی" ازین سبب که ماجرای "زین و کندن" و "خود زنی و خود کوبی" را از "حادثه ماجراجویانه کربلا"، به ارث برده است. آری؛ مآثر "ماجرای قدرت طلبی" و فرجام "فاجعه بار" کربلا در تمام حرکات و سکنات و عروق و شرائین طرفداران این رژیم پوشیده و فرتوت، نفوذ کرده است. طرفداران سفیه و ابله این رژیم، یک هزار و چار صد سال پس از ماجرائی خود را میزنند و میکند و سر روی خود و آل و خاندان و فرزندان خود را پر خون میکنند (2)، که طی آن نواسه پیمیر، سر خود را در مسیر "احراز قدرت" از دست داد. متأسفانه بسا حقایق مسلم تاریخ اسلام، در هاله ای ستبر از "عدم شفافیت"، مکتوم و پنهان مانده است و مسلمانان بخاطر "شفاف نبودن" تاریخ اسلام بسا حقایق بلامنازع، را درک کرده نمیتوانند!!!!

در هر صورت، رژیم آخوندی ایران "خود زین و خود کندن" را از ماجرای کربلا به میراث برده است. فرق تنها در اینست، که به حساب محض "کربلایی"، آن کس از فرق سر تا پای "خود" را میشکند و خون آلود میسازد و به کار دیگران، کاری ندارد. طرفداران رژیم آخوندی مگر نه تنها فرق "خود" را میشکند، بلکه دیگران و خلق خدا و خصوصاً "مظلومان" افغان را نیز مجبور به "سرشکستادن" و "خود زنی و خود کوبی" میسازند، و همین امر است، که به این رژیم، صبغت و حیثیت "نازی" و "نازیگری" میدهد.

بخوبی میدانیم و این را جهان نیز به نکوئی دریافته است، که:

ضرب المثل "آش مردا دیر پخته میشه" (آش مردها دیر پخته میشود) زبانزد خاص و عام این سرزمین است. مردم افغانستان هیچگاه "خوبی و بدی" را فراموش نمیکند. آنرا که ازش نیکوئی دیده اند، به "فرق سر" خود مینشانند و تا ابد مدیونش میمانند، مگر:

کسی را که ازش بدی دیده اند، هرگز از یاد نمیرند و تا زنده اند در صدد می مانند، تا حق آن "بدکاره" را بدهند و دل خود را به اصطلاح "بخ" بسازند و تا این کار را نکنند آرام هم نمیگیرند. افغانان حوصله فراخ دارند و کاسه صبر شان زود لبریز نمیکردد، مگر در هنگامی که وقتش برسد، زمین و زمان را دگرگون میسازند و بلکه آسمان را به زمین میزنند.

توهینی را که نمایندگان رژیم "نازی - کربلایی" در حق افغانان مرتکب شده اند و ما گوشه ای از آن را در "ویدئو"ی بالا دیدیم، اوج "درنده خوئی" و "حیوانیت" جنایتکاران این رژیم را مجسم میسازد.

از نگاه من و هر افغان دیگری که "خون افغانی" در عروق و شرائینش جاریست، "سخت ترین جزاء" برای یک افغان، "پامال ساختن حیثیت" اوست. این جزاء بمراتب سخت تر از "کشتن" و "حکم اعدام" است. "افغان" میتواند، خون خود را ببخشد، مگر از "حیثیت پامال شده" خود، هرگز نمی گذرد. از همینرو مطمئنم، که هرآینه روز انتقام خواهد رسید:

بدون شک که "انتقام" حق است و "انتقام افغان"، کاملاً برحق، که گفته اند:

"اوغان چل سال باد انتقام خوده میگیره"

(افغان چل سال بعد انتقام خود را میگیرد)

و بسیار آرزو میبرم، که در این انتقام که "حتماً آمدنی"ست، "تر و خشک" نسوزد و انتقام فقط متوجه جنایتکاران رژیم "نازی - کربلایی" ایران باشد!!!!!!

توضیحات:

1 - آلمان بعد از جنگ عمومی اول را تا زمان بقدرت رسیدن "رژیم نازی" در تاریخ آلمان بنام "جمهوریت ویمار" Weimarer Republik مینامند. در این دوره آلمان یک کشور دموکراتیک پارلمانی بود. چون جلسات قانونگذاری که بر اساس آن "این جمهوریت پارلمانی" جانشین "آلمان امپراتوری" Deutsches Reich (مراد از رایش دوم Zweites Reich است که بنیانگذارش، اوتو فون بیسمارک بود) شد، در شهر "ویمار" Weimar برپا گردید، مؤرخان این "جمهوریت" را بنام "جمهوریت ویمار" یاد کردند. در کتب طبع ایران، "ویمار" را "وایمار" مینویسند، که یک "الف اضافی" و "غیر ضروری" را در بر دارد!!!!

در تاریخ المان از سه "رایش" سخن می‌رود:
 – رایش اول "Erstes Reich"، که Das Heilige Römische Reich Deutscher Nation (رایش مقدس رومی ملت المان) نامیده می‌شود. این رایش که در واقع دست آورد تمام ممالک اروپای مرکزی امروزی – به شمول المان و فرانسه و اتریش و سوئیس و دانمارک و ممالک بنلوکس (بلجیم و هالند و لوکسنبورگ) و قسمتی از یوگوسلاویای سابق و چکوسلواکیای سابق و پولند – می‌باشد، از 962 تا 1806 دوام کرد و با تاجپوشی Karl der Grosse ("کرل کبیر" – "کرل چارم") اساس نهاده شد.
 – "رایش دوم" Zweites Reich که در سال 1871 عیسوی بدست "اُتو فُن بیسمارک" Otto von Bismarck، بنیان گذاشته شد و تا ختم جنگ عمومی دوم دوام یافت. تاریخ المان "بیسمارک" را به نام "صدر اعظم خون و آهن" Chancellor of Blood and Iron یاد می‌کند، که از سرزمین متفرق و پراکنده المان خان خانی، المانی "متحد" و کشور مقتدر صنعتی، ساخت.
 – رایش سوم "Drittes Reich" در سال 1933 بدست "آدولف هیتلر" بنیاد نهاده شد و با سقوط المان نازی در هشتم ماه می 1945 از بین رفت. "هیتلر" رایش خود را، "رایش هزار ساله" Tausendjähriges Reich نامیده بود، که فقط "دوازده سال و چند روز" دوام آورد.

2 – در زمینه به مقاله "یکهزار و چهار صد سال گریه – ..." این قلم در آرشیف معروفی، مراجعه گردد!!!!